

بررسی الحاق ایران به FATF با تطبیق آن بر قاعده حکم در آیه ۴۰ سوره یوسف

----- علی گرامی پور* و سیدعلی سجادی زاده** و مرتضی پژوهنده***

چکیده

بی تردید قرآن کریم مهم ترین منبع شناخت احکام الهی است که در آن قواعد راهبردی جامعه توحیدی بیان شده و برای تعامل با جوامع غیرالهی به رعایت اصول خاصی توصیه گردیده است. کاوش در معنای «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» و تطبیق آن بر برخی کنوانسیون های بین المللی، تلاشی نو در مسیر قرآن پژوهی و روشنگری دینی محسوب می شود. نوشتار پیش رو به شیوه ای تحلیلی-تطبیقی، ضمن واکاوی معناشناسی واژه «حکم» در آیه «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»، به تضاد برخی بندهای گروه ویژه اقدام مالی (FATF) با قوانین الهی و مشروعیت مراکز قانون گذاری، حاکمیتی و داوری در سطح بین المللی پرداخته است. با توجه به گستردگی معنای «حکم» در آیه مذکور و با نظر به شیوه های نوین نفوذ دشمن برای سلطه بر جوامع اسلامی - که در تضاد با ولایت الهی است - نوشتار حاضر به بررسی لزوم انطباق FATF و لوایح مرتبط با آن بر اساس آیه ۴۰ سوره مبارکه یوسف* پرداخته است. نتیجه این بررسی نشان می دهد که، علاوه بر تضاد برخی بندهای این کنوانسیون با ولایت فراگیر الهی در سه معنای «حکم»، این الحاق نادرست می تواند خسارات جبران ناپذیری برای کشور به دنبال داشته باشد.

واژگان کلیدی: قاعده حکم، معاهده، ولایت، تشریح، داوری، FATF.

* کارشناسی ارشد، رشته علوم قضایی، دانشگاه علوم قضایی، مشهد، ایران، «نویسنده مسؤول»؛
(aligeramipor19999@gmail.com).

** استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛ علوم قرآن و حدیث، مشهد، ایران؛
(sajjadizadeh@razavi.ac.ir).

*** دانشجوی دکتری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛ علوم قرآن و حدیث، مشهد، ایران؛
(Pazhoohandeh1367@gmail.com).

مقدمه

اسلام دینی جامع است که همه مصالح و مفاسد زندگی انسان را در نظر گرفته است (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۶۳؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ص ۷-۴۰). بنابراین، لازم است در تمامی اعمال فردی و کنش های اجتماعی، دیدگاه دین مورد توجه قرار گیرد (بهشتی مهر، ۱۳۸۶، ص ۸۸-۹۳). یکی از مسائلی که جامعه اسلامی پس از تشکیل حکومت با آن مواجه است، تعامل با جوامع غیرمسلمان و به ویژه حکومت های آنان است. عضویت در برخی معاهدات و کنوانسیون های بین المللی، که طبق قواعد حقوق بین الملل الحاق به آن ها اجباری نیست، اما خروج از این قراردادها تبعات حقوقی و خسارات سنگینی را می تواند به دنبال داشته باشد (رحیم خویی، ۱۳۹۹، ص ۶).^۱ با توجه به جایگاه قرآن در تبیین دیدگاه دین اسلام (محمدی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۱)، این نوشتار پس از معناشناسی واژگان، به بررسی تطبیقی FATF با آیه ۴۰ سوره مبارکه یوسف علیه السلام می پردازد تا نظر دین اسلام درباره مفاد این کنوانسیون و آثار الحاق ایران به آن مشخص شود. این پژوهش در پی پاسخ به پرسش های زیر است:

۱. آیا حق تقنین، داوری و حکومت، اختصاص به خداوند متعال دارد؟
۲. واقعیت گروه ویژه اقدام مالی (FATF) چیست؟
۳. آیا پیوستن به سازمان FATF با آیه ۴۰ سوره یوسف علیه السلام سازگاری دارد؟
۴. معایب احتمالی الحاق جمهوری اسلامی ایران به این سازمان، با توجه به آیه ۴۰ سوره یوسف علیه السلام چیست؟

یکی از آیاتی که به خطوط کلی و مرزهای مجاز در ارتباط با سایر جوامع پرداخته، آیه ۴۰ سوره مبارکه یوسف علیه السلام است. با توجه به گستردگی معنای «حکم» طبق قرائن درون متنی و برون متنی، می توان مفاهیمی چون ولایت، تشریح و داوری را برای آن در نظر گرفت. در منظومه فکری یک مسلمان، اعتبار هر چیزی به میزان انطباق آن با منظومه توحیدی او بستگی دارد (خامنه ای، ۱۳۹۲، ص ۲۶۳-۲۶۴).

۱. تیترا: اثر معاهده نسبت به دولت های غیر عضو.

پرداختن به این‌گونه آیات، اهمیت مرزهای تعیین‌شده توسط مالک حقیقی عالم را در مشروعیت‌بخشی به تعاملات و رعایت مصالح در نظام توحیدی جهان آشکار می‌سازد. به همین دلیل، اعتبار مراکز قانون‌گذاری، مجریان قانون و محاکم قضائی در پرتو بررسی معنای «حکم» در این آیه مورد پی‌جویی قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش: در کتب فقهی و تفسیری، ذیل عنوان آیه ۴۰ از سوره مبارکه یوسف علیه السلام، مانند تبیان (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۱۴۴)، کاشف (مغنیه، ۱۳۲۴، ج ۴، ص ۳۱۶)، منتهی‌المطلب (حلی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۲۰۸) و مصادر الفقه الاسلامی و منابه (سبحانی، ۱۴۱۹، ص ۳۱۹) مطالب ارز شمنندی ارائه شده است. همچنین نگاه‌های مرتبط با موضوع «اف.ای.تی.اف»، از جمله مقاله «بررسی گروه ویژه اقدام مالی - پیامد عضویت ایران» (فولادی، ۱۳۹۷، ص ۹۲)، مقاله «پیشنهاد‌های گروه کار، اقدام مالی برای مبارزه با پول‌شویی» (میرزاوند، ۱۳۸۲، ص ۶)، کتاب «استانداردهای مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم» (ارجمند، ۱۳۹۲، ص ۴۷) و دیگر آثار که هر یک از زوایای مختلف «اف.ای.تی.اف» را مورد بررسی قرار داده‌اند، تألیف شده است. با این حال، بررسی تطبیقی این موضوع با عنایت به آیه ۴۰ سوره مبارکه یوسف علیه السلام تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. نوشتار پیش رو، از این جهت که به بررسی الحاق جمهوری اسلامی ایران به گروه ویژه اقدام مالی (FATF) بر اساس آیه «إن الحکم إلا لله» (یوسف: ۴۰) پرداخته است، از طراوت و تازگی ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

ضرورت پژوهش: افزون بر این که تاکنون پژوهشی تطبیقی در این باره، با توجه به معنای «حکم» در آیه «إن الحکم إلا لله» ارائه نشده است، تحقیق حاضر به سنجش کنوانسیون «اف.ای.تی.اف» با توجه به معنای حکم در این آیه می‌پردازد تا ضمن توجه به منافع احتمالی برخی از این معاهدات، مضرات پیوستن به آن‌ها از منظر مراد آیه نیز روشن گردد.

مفهوم‌شناسی «حکم»، «معاهده»، «کنوانسیون» و «اف.ای.تی.اف»

حکم: ماده «حکم» بر اتقان و استحکام دلالت دارد (محمود، بی تا، ج ۱، ص ۵۸۲). «حکم» در لغت به معنای «عدل و حلم» است (ابن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۸۸) و به سایر معانی همچون «قضاوت، سلطنت و سیطره، حکمت و سداد، علم، رشد، ممانعت و اتقان» نیز اشاره شده است

(محمود، بی تا، ج ۱، ص ۵۸۱). افزون بر این، برخی «حکم» را به معنای منصرف شدن و منع کردن به قصد اصلاح (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۹۱) یا فقه، داوری و قضاوت دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۱۲، ص ۱۴۰).

در اصطلاح فقهی، تعریف‌های متعددی برای حکم ارائه شده است که بر اساس مضمون بیشتر آن‌ها، حکم به خطابات خداوند متعال به مکلفین درباره افعال و کردارشان گفته می‌شود (فاطمی، ۱۳۵۳، ص ۴۸).

معاهده: واژه «معاهده» از ریشه «عهد» گرفته شده است. «عهد» به معنای هر آنچه خداوند رعایتش را خواسته یا هرگونه پیمان و میثاق بین انسان‌هاست (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۱۱). در حقوق بین‌الملل، معاهده عبارت است از هرگونه توافق بین‌المللی، مشروط بر آن که مطابق با مقررات حقوق بین‌الملل باشد (ضیائی، ۱۳۷۴، ص ۹۷).

بر اساس آیین‌نامه مصوب ۷۱/۷/۱۳ هیأت وزیران، معاهده این‌گونه تعریف شده است: «توافقی حقوقی ناشی از توافق بین‌المللی که به موجب آن، دستگاه دولتی در برابر دولت، مؤسسه، شرکت یا دولت خارجی، یا در برابر مجامع، شوراهای سازمان‌های بین‌المللی به امری ملتزم می‌شود و دارای آثار و ضمانت اجرایی حقوقی است».

کنوانسیون: کنوانسیون به معنای موافقت‌نامه یا عهدنامه میان چند کشور است (معین، ۱۳۸۱، ص ۹۰۸). در اصطلاح حقوق بین‌الملل، کنوانسیون قراردادی است که بین چند کشور به امضا می‌رسد تا درباره یک یا چند موضوع، مقرراتی را بین خود تنظیم و اجرا کنند (لنگرودی، ۱۳۷۶، ص ۵۷۹).

اف.ای.تی.اف (FATF): تارنمای رسمی گروه ویژه اقدام مالی (اف.ای.تی.اف) این گروه را چنین معرفی می‌کند: «FATF» مخفف «The Financial Action Task Force» به معنای گروه ویژه اقدام مالی است. این گروه نهادی بین‌دولتی با وظیفه سیاست‌گذاری است که برای ایجاد اراده سیاسی لازم جهت تحقق قوانین و مقررات ملی در زمینه مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم تلاش می‌کند. این گروه پیشرفت کشورهای عضو در زمینه اجرای توصیه‌های خود را رصد نموده و بر روند تصویب و اجرای این توصیه‌ها در سطح جهانی نیز نظارت دارد. بر اساس دیدگاه

این گروه، کشورهایی که با آن همکاری نکنند، کشورهایی با خطر بالای پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم به شمار می‌روند و به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته کشورهایی هستند که علیه آن‌ها «اقدام متقابل» انجام نمی‌شود و دسته دیگر کشورهایی که علاوه بر حضور در فهرست سیاه، علیه آن‌ها اقدام متقابل نیز صورت می‌گیرد (افشار، ۱۳۹۷، ص ۴۱).

آیه «ان الحكم إلا لله»

این آیه به داستان حضرت یوسف علیه السلام در زندان اشاره می‌کند و می‌فرماید: «آیا خدایان پراکنده بهترند یا خدای یگانه؟ شما جز نام‌هایی را که خود و پدرانتان نام‌گذاری کرده‌اید، نمی‌پرستید؛ خداوند هیچ دلیلی بر آن‌ها نازل نکرده است. حکم فقط از آن خداست و او فرمان داده که جز او را نپرستید. این است دین استوار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند» (یوسف: ۳۹-۴۰). شیخ طبرسی در تفسیر خود به مکی بودن این سوره اشاره کرده و تعداد آیات آن را ۱۱۱ آیه دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۱۶).

معانی متصور برای آیه

حکم در این آیه می‌تواند سه معنای «قانون»، «ولایت» و «قضاوت» داشته باشد که هر یک به ترتیب، ذیل حق اختصاصی «تشریح»، «حکومت» و «حکمیت» قرار می‌گیرند. به‌عنوان مثال، اگر هر یک از این عرصه‌ها برای فردی اثبات شود، به او «حاکم» گفته می‌شود: گاه در عرصه قانون‌گذاری و شریعت، گاه در حوزه دولت و حکومت، و گاه در مقام قضاوت و رفع مخاصمات. در صورت اثبات معنای وسیع «حکم» برای این فراز، آنگاه با یک استناد روشن، عرصه‌های سه‌گانه (تشریح، حکومت، حکمیت) به‌طور همزمان پاسخ داده شده و در گام بعدی، مرزهای مجاز و مشروع در این عرصه‌ها - که از سوی آیه مشخص شده‌اند - ملاک سنجش قرار می‌گیرند؛ به‌گونه‌ای که هرگونه دستور یا نهاد در هر کشور و سرزمین، اگر فراتر از این مرزها باشد، از اعتبار ساقط خواهد بود.

در ادامه، با توجه به نظام قرائن درون‌متنی و برون‌متنی، به بررسی و ارزیابی آیه در این سه معنای اصلی پرداخته می‌شود.

قرائن درون‌متنی

هرگونه حکمی برای غیر خداوند متعال ممنوع است، مگر آنکه با تجویز خداوند باشد. حرف

«إن» در فراز «إن الحكم إلا لله» از حروف نفی است که بر سر «حکم» - که مبتدای جمله است - وارد شده است (طنطاوی، ۱۴۳۱، ص ۲۸۲). همچنین «ال» در «الحکم» حکم را به صورت کلی و جامع مطرح می‌کند؛ به این معنا که هرگونه حکم مقصود است. هرچند در ظاهر واژگان «ماتعبدون» (عبادت)، «ما أنزل الله» (نزول)، «إلا تعبدوا» (عبادت)، «ذلك الدين» (دین) و «إن الحكم» (حکم) بیشتر معانی مرتبط با «شریعت»، «تشریح» و «تقنین» مصطلح در محافل علمی را تداعی می‌کنند، اما واژه «عبادت» به معنای عام‌تر و گسترده‌تر نیز قابل تعمیم است و شامل مباحث ولایی در حکومت اسلامی و احکام قضایی نیز می‌شود (ایازی، ۱۳۷۸، ص ۵۹-۶۷). به عبارت دیگر، جامعه اسلامی برای به رسمیت شناختن قوانین باید اسلامی باشد تا عبادت پروردگار را به جای آورد؛ همچنین در عرصه حاکمیت (دولت و اجرا) و حکمیت (داوری و قضاوت) نیز لازم است متعبد به خداوند متعال باشند. این همه نشان‌دهنده توسعه‌پذیری معنای «حکم» از شریعت اصطلاحی به ساحت‌های حکمرانی و قضایی است.

اگرچه به ظاهر آیه نمی‌توان انحصار حکومت و حکمیت را فقط برای خداوند و جانشینان الهی استناد کرد و واژه «حکم» در آیه به معنای حکم شرعی فرعی مصطلح باشد، ولی می‌توان به صورت ملازمه‌ای و تبعی، اولویت یا انحصار ولایت و قضاوت را از جهت رتبه و زمان برای خداوند دانست؛ زیرا خداوند به عنوان حاکم شرع (چه در شریعت اصطلاحی، چه در ولایت اجرایی یا حکمیت و داوری) آگاه‌ترین فرد به قوانین وضع شده و مصالح مخلوقات است (ری‌شهری، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۴۲۳).

بنابراین در اجرای قوانین الهی و در طول خداوند، اولیای الهی اولویت در حکومت، حکمیت و امور مشابه دارند. همانگونه که در روایتی شریف از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «خداوند هیچگاه شأن و جایگاه تشریح را برای کسی قرار نداده است در حالی که دست او را ببندد؛ بلکه هر جا که زبان مجاز به سخن گفتن در مورد حکم الهی باشد، دست نیز مجاز به اقدام - بلکه اولی - است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۵).

این روایت به خوبی ترتیب شئون حکومت (ولایت و دولت) و حکمیت (داوری و قضاوت) را بر جایگاه شریعت اصطلاحی روشن می‌سازد. به عبارت دیگر، وجودی که شایستگی جایگاه حکم

شرعی را دارد، در صورت نبود مانع، اولی به تصدی امور قضا و اجرا (حکمت و حکومت) است. هر چند همان طور که در ادامه خواهد آمد، واژه «حکم» در فضای آیه و دیگر ادله از نگاه برخی اندیشمندان و معتقدان، بدون در نظر گرفتن معنای التزامی، دارای شعاع و گستره وسیع معنایی است.

قرائن بیرون متنی

علاوه بر قرائن درون متنی، قرائنی خارج از متن آیه نیز وجود دارد که به نحوی به معانی سه‌گانه کلمه «حکم» اشاره می‌کنند:

۱. عقل

انسان از طریق عقل خود درمی‌یابد که «جهان با تمام مراتب آن، آفریننده‌ای دارد که او را کسی نیافریده است» (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۵۹-۶۱). اگر بپذیریم که با اثبات علت‌العلل بودن خداوند، سایر صفات کمالیه به صورت ملازمه عقلی یا عینی برای آن ذات مقدس ثابت است و تمامی صفات سلبيه به طور کامل از آن ساحت سلب شده‌اند (همان، ص ۶۵-۶۹)، آنگاه عقل به‌عنوان یک مدرک در محدوده مجاز دریافت معارف درمی‌یابد که خداوند شایسته‌ترین فرد در معانی سه‌گانه «تشریح»، «حکومت» و «حکمت» است و سایرین به صورت عارضی و امانی این موارد را در اختیار دارند. در میان این دارایی‌ها، جایگاه تقنین، دولت و داوری وجود دارد که اصل و اساس آن متعلق به خداوند است و در طول این مالکیت و با اذن الهی، ویژه و برانزده اولیای الهی و هر که مالک حقیقی عالم او را مجاز دانسته است، قرار می‌گیرد.

۲. لغت

جوهری در تعریف «حکم» معانی متعددی مانند «قضاوت»، «حکمت به معنی علم»، «اتقان در کارها» و «مانع از گرایشات» را ذکر کرده است. وی در فراز مورد بحث، به داستان خوارج در حادثه حکمت اشاره می‌کند و از آیه «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» برای اثبات «حکمت» که ریشه در «حکم» دارد، استناد نموده است. این استناد و جایگزینی «حکمت» به جای «حکم» با توجه به قرائن بیرون متنی دیگر، راهنمایی بر این است که «حکم» در آیه معنای وسیعی دارد و محدود به حق اختصاصی و انحصاری تقنین و تشریح نیست. همچنین در «معجم الاصطلاحات»، پس از مصدر

گرفتن «حکم»، معانی چون «قضاوت»، «سلطنت»، «سیطره»، «حکمت»، «علم»، «رشد»، «ممانعت» و «اتقان» گزارش شده است و در ادامه، معانی حکم نزد هر صنف از علما بررسی شده است که به جهت اختصار از ذکر تفصیل آن صرف نظر می‌کنیم (محمود، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۸۱). در کتاب «قاموس الفقهی» نیز معانی «حُکم» شامل «قضاوت»، «حکمت»، «علم»، «تفقه» و «خطابات خداوند متعال» آمده است (سعدی، ۱۴۰۸، ص ۹۶). پس از بررسی معانی لغوی واژه «حکم»، روشن می‌شود که این تعبیر نه تنها با معانی سه‌گانه «حکومت»، «حکمیت» و «تشریح» ناسازگار نیست، بلکه در برخی معانی، ظهور و صراحت بیشتری در تایید مدعای بحث دارد.

استعمالات تاریخی این واژه

یکی از قدیمی‌ترین استعمالات این فراز، ریشه در کج‌فهمی گروهی در صدر اسلام دارد که در دوران خلافت امام علی علیه السلام بر آن حضرت شوریدند. معاویه پس از آنکه دریافت شکست سپاهش قطعی است، با حيله‌ای ناجوانمردانه قرآن را نیزه کرد و گروه زیادی از سپاه امیرالمؤمنین علیه السلام را فریب داد تا دست از جنگ بردارند. این جمعیت فریب‌خورده که بعدها به خوارج مشهور شدند، درخواست حکمیت را پذیرفتند (جعفریان، بی‌تا، ص ۱۰۰-۱۰۳).

با وجود میل باطنی نداشتن امام علیه السلام، ابو موسی اشعری به‌عنوان حکم انتخاب شد و در جریان حکمیت از عمرو بن عاص شکست خورد. خوارج به‌جای بازگشت از اشتباه خود، از پذیرش نتیجه حکمیت سر باز زدند و بر این باور بودند که حاکمیت انسان‌ها بر مردم با اطلاق و حصر آیه شریفه منافات دارد و تشکیل حکومت بر اساس آن را انکار کردند.

امام علی علیه السلام بر همان اصول بدیهی خود تکیه کرده و بیان می‌دارند که زندگی اجتماعی انسان تنها با برپایی حکومت شکل می‌گیرد و معنای انحصار حاکمیت در خداوند این نیست که مردم از وجود حکمرانان بشری بی‌نیاز باشند (دستی، ۱۳۷، ص ۹۳). همچنین حضرت، انحصار حکمیت و داوری برای خداوند و کتاب او را با داوری انسان‌ها بر اساس فهم و تفسیرشان از قرآن مغایر نمی‌دانند و تصریح می‌کنند که برای پذیرش داوری کتاب خدا، چاره‌ای جز تفسیر آیات آن توسط انسان نیست (همان، ص ۲۳۷).

همان‌طور که از شعار خوارج پیداست، آنان معنایی فراتر از تشریح برای کلمه «حکم» برداشت کرده‌اند و عدم انحصار معنای «حکم» به «تشریح» را بهانه قرار داده‌اند. استناد آنان در بحث داوری و حکمیت بوده است که خود نشان از گسترش معنای اصطلاحی «حکم» از حوزه شریعت به حوزه حکمیت دارد.

۳. روایات

معنای «حکم» در روایات متعددی از زبان ائمه اطهار علیهم‌السلام بیان شده است که پرداختن به همه آنها در این مجال ممکن نیست. از این رو، به‌عنوان نمونه به برخی از اخبار در این باره اشاره می‌شود: روایت اول: به فرموده امام علی علیه‌السلام، عبارت «لا حکم الا لله» برگرفته از سخن خداوند متعال در سوره مبارکه یوسف علیه‌السلام است که فرمود: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ»؛ «حکم فقط ویژه خداست و دستور داد که جز او را نپرستید.» اما مقصود خوارج از این عبارت، سرکشی و ظلم بر امام علیه‌السلام و سلب توان حکومت شایسته ایشان بود. آنان همچنین قصد داشتند فضای غبارآلودی در صفوف لشکر حق ایجاد کنند و ناآگاه یا آگاهانه به جبهه باطل یاری رسانند (هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۲۱، ص ۲۶۹). می‌توان گفت مراد آنان از عبارت «إِلَّا أَنَّهُمْ أَرَادُوا بِهَذَا الْحُكْمِ الْبَغْيَ وَ الطَّغْيَانَ عَلَى الْإِمَامِ» نفی حکومت و ولایت بود.^۱ به‌ویژه با ضمیمه کردن حادثه تاریخی حکمیت و دیگر قرائن، به‌روشنی روشن می‌شود که این روایت فراتر از معنای اصطلاحی شریعت را بیان می‌کند. اگر ثابت شود که آیه، معنای وسیع یادشده را شامل می‌شود، آنگاه دولت‌ها، محاکم و قانون‌گزاران باید خود را در چارچوب دین مبین تعریف کنند؛ در غیر این صورت، مشروعیت آنها به‌حسب حکم اولی بر اساس آیه، زیر سؤال می‌رود.

روایت دوم: زمانی که خوارج فریاد زدند: «حکم فقط ویژه خداست»، امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «سخن حقی است که از آن اراده باطل شده است.» (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۰۴،

۱. آیت الله مکارم: «خطای بزرگ خوارج در این بود که آنها شعار «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»، را که برخاسته از قرآن بود چنین تفسیر می‌کردند که هرگونه «حکمیت و داوری» و «حاکمیت»، یعنی حکمرانی در میان مردم مخصوص خداست، و به همین دلیل با مسأله حکمیت مخالفت کردند و آن را نوعی شرک شمردند، چراکه برای غیر خدا حق حکومت و داوری قرار داده شده است!» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت الله مکارم شیرازی زید عزه، <http://b2n.ir/k888704>).

حکمت ۱۹۸) ابن ابی الحدید در شرح این کلام می‌گوید: «مراد از این عبارت این است که اگر چیزی را خدا بخواهد، راهی جز تحقق آن وجود ندارد؛ زیرا قدرت او متفاوت از دیگر قدرتمندان است. خوارج از این شعار، قصد انکار علی علیه السلام را داشتند، آن هم از طریق همان حکمیتی که خود بر او تحمیل کرده بودند. هدف آنان رد هرگونه حکم بشری بود، درحالی که خداوند بسیاری از احکام مردم را در ادیان مختلف تأیید و امضا کرده است.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۹، ص ۱۷).

بیشتر روایات مربوط به «حکم»، به حادثه صفین و عدم فرمانبرداری خوارج اشاره دارند. به نظر می‌رسد ایراد در برداشت نادرست از معنای آیه نبوده است، چراکه موضوع بحث، حکمیت و خلافت بوده است؛ بلکه ایراد در تطبیق اشتباه آنان نسبت به مراتب معنای آیه بوده است. بیان امیرالمؤمنین علیه السلام چنین بود: «کلمة حق یراد بها الباطل» یعنی آنان معنای درست «حکم» (در هر معنایی، از جمله حکمیت و حکومت) را فهمیده بودند، اما نفهمیدند که در طول حکم خداوند، می‌تواند حاکمی (شرعاً، قضائاً یا اجرائاً) در میان مردم باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۷۵).

بنابراین، منافاتی ندارد که معنای حکم، هم حکومت، هم حکمیت و هم شریعت را در برگیرد؛ بلکه چنین نیز هست. بر اساس این روایات و شروح، نفی هر یک از این مصادیق در سطح دنیوی و در طول حکم الهی، مردود شمرده می‌شود.

۴. دیدگاه علما

پس از بررسی روایات مربوط به معنای «حکم»، نوبت به واکاوی این مفهوم در آثار علما می‌رسد. با وجود آنکه قرائن پیشین بر وسعت معنایی «حکم» دلالت داشت، اندیشمندان دینی در تعریف آن دیدگاه‌های متنوعی ارائه کرده‌اند: برخی آن را به تشریح و تقنین محدود دانسته‌اند، گروهی آن را معادل داوری و قضاوت گرفته‌اند، عده‌ای به جنبه‌های حاکمیت و ولایت پرداخته‌اند، و برخی دیگر معنایی فراتر از تشریح برای «حکم» در نظر گرفته‌اند.

تشریح و تقنین

صاحب تفسیر «کاشف» این فراز را ناظر به معنای تشریح دانسته و در یک عبارت موجز، حکم الهی را به دو دسته تقسیم کرده است: ۱. قضا و قدر الهی، امری که انسان از آن گریزی ندارد؛ ۲. احکام حلال و حرام الهی، که از آن به حکم شرعی تعبیر می‌شود.

وی تصریح می‌کند: «خدای متعال بدون واسطه، حکم خود را بر بشر جاری نساخته، بلکه تشریح و ابلاغ احکام را از طریق پیامبران علیهم‌السلام صورت داده است. معنای مورد نظر از حکم، همان معنای دوم است، و خدای متعال سرچشمه تشریح است. هیچ‌کس جز او حق حلال و حرام کردن ندارد.» (مغنیه، ۱۳۲۴، ج ۴، ص ۳۱۵).

مغنیه پس از ارائه این توضیحات، به واقعه صفین و دیدگاه خوارج اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که خوارج میان انحصار تشریح و انحصار حکمرانی خلط کردند. این خلط، نوعی تطبیق نادرست بر شریعت بود و آنان تفاوت میان این دو مفهوم را درک نکردند (همان، ص ۳۱۶).

با این حال، چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، ایراد اصلی دیدگاه خوارج نه در خلط میان شریعت و حکمیت، بلکه در نادیده گرفتن مراتب امور بود. یکی از این مراتب، شئون سه‌گانه حاکم، یعنی شرع، قضا و اجرا، است.

از سوی دیگر، آیت‌الله سبحانی در خصوص توحید در تشریح و تقنین می‌گوید: یکی از مراتب توحید، توحید در تشریح و تقنین است؛ بدین معنا که هیچ‌کس جز خداوند شارع و مقنن نیست. چنان‌که خداوند حکیم می‌فرماید: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (یوسف: ۴۰). مقصود از «حکم» در این آیه، حکم شرعی است، و قرینه آن عبارت «أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» می‌باشد (سبحانی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۱۹).

در هر حال، حتی اگر حکم را به معنای شریعت تفسیر کنیم، این معنا لازماً به اولویت و بنیاد حکمیت و حکومت در امتداد شریعت اشاره دارد، که ابتدا به شارع مقدس تعلق دارد و سپس به منصوبان از سوی مالک حقیقی عالم واگذار می‌شود.

ولایت، حکومت

صاحب تفسیر «انوار درخشان» بیان می‌فرماید: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» بر مبنای حصر استوار است و فرمانروایی منحصر به پروردگار می‌باشد؛ چراکه از لوازم ایجاد، آفرینش و تدبیر است. هیچ رابطه‌ای مستحکم‌تر از تدبیر الهی در شئون مخلوقات وجود ندارد، و توحید افعالی پروردگار بر این اصل استوار است.» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۷۷).

عباسعلی عمید زنجانی در «فقه سیاسی» درباره ضرورت نظام سیاسی در اسلام چنین آورده

است: «در پاسخ به کسانی همچون علی عبدالرزاق در کتاب الاسلام و اصول الحکم که وجود نظام سیاسی در اسلام را نفی می‌کنند، باید گفت که حتی با اندکی مطالعه در قرآن، روشن می‌شود که تفکر سیاسی، هسته مرکزی حیات یک مسلمان را تشکیل می‌دهد. قرآن کریم، در تمامی ابعاد دولت، اعم از ملت و جمعیت تحت عنوان «امت»، سرزمین تحت عنوان «ارض‌الله»، و حاکمیت و قدرت سیاسی تحت عبارت (إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ)، آموزه‌های لازم را با زبان وحی بیان کرده است. تأمل در واژگان سیاسی قرآن، خود برای اثبات این امر کافی است.» (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۸۷). تأکید این فقیه و حقوقدان بر قدرت سیاسی نشان می‌دهد که این تعبیر فراتر از شریعت مصطلح - یعنی احکام مرسوم مانند وضو، غسل، حیض و نفاس - سیر می‌کند و حوزه حکمرانی دینی و حکومت الهی را نیز شامل می‌شود.

قضاوت، داوری

تفسیر «بحرالعلوم» هنگام ترجمه (إِنَّ الْحُكْمَ) آن را به معنای داوری دانسته است؛ یعنی هیچ داوری در دنیا و آخرت جز از سوی خداوند وجود ندارد و سپس به ادامه تفسیر آیه می‌پردازد (سمرقندی، بی تا، ج ۲، ص ۱۹۳). از شهید مطهری در مجموعه آثار او چنین نقل شده است: «اگر یک حکم (داور) میان دو نفر - که هر دو مدعی خلافت هستند - حکم کند، چنین کاری برخلاف اسلام است؛ زیرا قرآن فرموده است: (إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ). خوارج ابتدا خود به این کار اقدام کردند، اما در پایان، خود را تخطئه کردند و حضرت امیر را - که به اجبار وادار به این کار شده بود - نیز تخطئه کردند.» (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۱۱۱)

در همه این قرائن، یک خط فکری روشن وجود دارد که نشان می‌دهد اگر هر فرد یا جریانی بگوید تقنین، داوری یا حکومت فقط ویژه خداوند است، در اصل سخن، نادرست نگفته است. بلکه ایراد، چه در انگاره خوارج و چه در دیگر موارد، در نادیده گرفتن مراتب شمول معنایی واژه «حکم» بوده است، نه در اصل تعمیم معانی سه گانه (حکومت، حکمیت و حکم شرعی). در واقع، در عرصه خارجی، هیچ گروهی نسبت به شمول این سه معنا تردید ندارد. آری، خلافت و حکومت حقیقی از آن خداوند است و این منصب، الهی است؛ مگر آنکه در طول و به اذن قدرت الهی باشد.

دیدگاه‌های مختلف در خصوص پیوستن ایران به «اف.ای.تی.اف»

به اجمال و بدون جانبداری، دلایل موافقان و مخالفان را طرح می‌کنیم تا پیش‌زمینه‌ای برای ورود به بحث و برر سی FATF با توجه به آیه «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» فراهم شود. در ادامه، دلایل هر دو طرف ارائه شده است.

دلایل موافقان

۱. بدون تصویب این دو لایحه، مبادلات مالی و بانکی ایران با سایر کشورها مختل خواهد شد (افشار، ۱۳۹۷، ص ۱۱۷ و ۱۱۸).^۱
۲. اگر لوایح مرتبط با «اف.ای.تی.اف» تصویب نشود، این به معنای نوعی خودتحریمی خواهد بود و حتی کشورهایی که در حال حاضر ارتباطات و تبادلاتی با ایران دارند، در ادامه از انجام این همکاری‌ها امتناع خواهند کرد. (افشار، ۱۳۹۷، ص ۱۱۰ و ۱۱۱).
۳. در صورت بازگشت به لیست سیاه، ایران به عنوان کشوری با ریسک بالا شناخته می‌شود و موانع جدی در مسیر سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد خواهد شد (سلطانی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۴).
۴. با توجه به حق تحفظ و شرط‌هایی که در این لوایح پیش‌بینی شده، می‌توان گروه‌های مقاومت را از شمول تعریف گروه‌های اقدام ویژه مالی برای مبارزه با پول‌شویی خارج کرد. به بیان دیگر، حتی تصویب این لوایح نیز نمی‌تواند ارتباط ایران با گروه‌های طرفدار سیاست منطقه‌ای خود را قطع کند (حسینی احمد فداله و همکاران، فصلنامه علمی مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۴۲، ص ۵۴).
۵. تصویب این لوایح موجب شفافیت بیشتر سیستم مالی و پولی کشور خواهد شد و با مشخص شدن مبدا و مقصد پول، امکان مقابله بهتر با پول‌شویی و جریان‌های مالی غیرقانونی فراهم می‌شود (همان؛ افشار، ۱۳۹۷، ص ۱۰۶ و ۱۰۷).
۶. با پیوستن به این نهاد، بهانه‌هایی که برای نسبت دادن اتهام تروریسم به ایران مطرح می‌شود، از مخالفان سلب خواهد شد (افشار، ۱۳۹۷، ص ۱۱۹).^۲

۱. سخنرانی حسن روحانی روحانی در مجمع سالانه بانک مرکزی، ۱۳/۱۲/۱۳۹۹.

۲. جامعه خبری تحلیلی الف، گروه سیاسی الف، ۱۳۹۸/۸/۴: B2n.ir/z22595؛ روزنامه شرق: موافقان و

دلایل مخالفان

۱. با توجه به تحریم‌های گسترده ایران توسط آمریکا و قطع ارتباطات و تبادلات مالی و بانکی، صحبت درباره لوایح مرتبط با «اف.ای.تی.اف» و شفافیت مالی، عملاً بی‌فایده بوده و نوعی تحمیل هزینه‌های جدید بر کشور است (سپهر، ۱۳۹۸، ص ۵۴-۵۶).
۲. رأی‌گیری در «اف.ای.تی.اف» به صورت اجماعی است و با توجه به حضور کشورهای رأی‌گیر مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی، حتی در صورت انجام تمامی اقدامات، اجازه بهبود وضعیت ایران داده نخواهد شد.
۳. در صورت تصویب لوایح مرتبط با «اف.ای.تی.اف»، گروه‌های محور مقاومت نیز مشمول تحریم خواهند شد و ارتباط ایران با آن‌ها قطع می‌شود. این امر مقابله نظام سلطه با بازوهای مقاومت را ساده‌تر می‌کند و در نتیجه، ایران در تنگنای بیشتری قرار خواهد گرفت (دلبری و همکاران، نشریه علمی آفاق امنیت، شماره ۴۷، ص ۴۱ و ۴۲).
۴. در حال حاضر، ایران تا حدود زیادی توانسته اثرات تحریم را مدیریت کند؛ اما تصویب پالرمو و «سی.اف.تی» موجب تحمیل هزینه‌ها و فشارهای جدید بر کشور خواهد شد. به بیان دیگر، پیوستن به «اف.ای.تی.اف» باعث می‌شود کشورهای غربی از تبادلات مالی و اطلاعات محرمانه ایران مطلع شوند و این امر می‌تواند به اقدامات تقابلی بیشتری علیه ایران منجر شود (همان، ص ۴۵ و ۴۶).
۵. روابط اقتصادی خارجی ایران در شرایط غیرعادی قرار دارد. هرچند باید قوانین داخلی مبارزه با فساد تقویت شود، اما اتکا به چنین نهادهایی عملاً موجب اختلال در تعاملات اقتصادی و سیاست خارجی کشور خواهد شد.
۶. تصویب این لوایح، به نوعی پذیرش تحریم‌های مضاعف علیه کشور است و موجب افشای معدود ارتباطات و کانال‌های باقی‌مانده برای دور زدن تحریم‌ها خواهد شد. در نتیجه، مقابله با تحریم‌ها بسیار دشوارتر خواهد شد. (سهرابی و داداش‌زاده، مجله پژوهش ملل، شماره ۵۵، ص ۷۹).

ارزیابی کنوانسیون بین‌المللی گروه ویژه اقدام مالی طبق آیه «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»

برای روشن شدن محور بحث و نتیجه‌گیری در مورد دیدگاه‌های موافق و مخالف پیوستن به (FATF)، موضوع را در قالب پرسش‌هایی مطرح می‌کنیم: اعتبار قوای سه‌گانه (قوه مقننه، قوه قضائیه و قوه مجریه) از کجا ناشی می‌شود؟ آیا عقل و عقلای قوم - کسانی که به خالقِ قدیر، علیم و حکیم باور دارند - مراجعه به چنین نهادهایی را بدون اذن الهی مجاز می‌شمارند؟

قرآن کریم در حوزه رسالت خود، کتابی جامع و کامل است و هیچ‌گاه از بیان آنچه در هدایت انسان نقش دارد، فروگذار نکرده است. چنانکه فرموده است: «تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ» (نحل: ۸۹) گذشته از آیات قرآن، پیامبر اسلام ﷺ و اوصیای ایشان نیز بر جامعیت و راهنمایی این کتاب گواهی داده‌اند. پیامبر اکرم، بزرگ‌ترین قرآن‌شناس و دریافت‌کننده وحی، در حدیثی درباره قرآن می‌فرماید: «قرآن، راهنمایی است که راه را نشان می‌دهد. قرآن، کتاب تفصیل و روشنگری و تحصیل [حقایق] است. جداکننده میان حق و باطل است. ظاهر و باطنی دارد. ظاهرش حکم [و دستور] خداست و باطنش علم خداوند متعال می‌باشد. ظاهر آن محکم و استوار است و باطنش ژرفایی دارد که پایانی ندارد. شگفتی‌هایش بی‌شمار و همیشه تازه است. چراغ‌های هدایت و پرتوگاه‌های حکمت در قرآن‌اند و برای کسی که انصاف داشته باشد، راهنمایی به سوی معرفت و شناخت است.» (ری شهری، ۱۳۹۱، ص ۹).

نوشتار پیش رو، در پرتو چراغ هدایت قرآن که طبق فرموده پیامبر خاتم «ظَاهِرُهُ حُكْمُ اللَّهِ» است، به بررسی و پاسخ به پرسش‌های مطروحه می‌پردازد. در آغاز بحث پرسیده شد: اعتبار قوای سه‌گانه (مجریه، مقننه و قضائیه) از کجا ناشی می‌شود؟ به عبارتی، ملاک اعتبار این قوا در نگاه مسلمانان چیست؟ در پاسخ باید گفت: اعتبار هر نهادی نزد یک مسلمان، به منظومه توحیدی‌اش بازمی‌گردد. رأس این منظومه، قرآن کریم است. قرآن با صراحت می‌فرماید: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف: ۴۰) یعنی «حکم و قانون‌گذاری، تنها از آن خداست».

بر اساس این آیه و مبانی قرآنی، اعتبار هر نظام حقوقی، قضایی یا اجرایی، در نگاه دینی، باید مشروعیت و اجازه خود را از حکم خداوند متعال بگیرد و بدون این پیوند، مشروع و معتبر نخواهد بود.

حاکمیت

در مباحث پیشین ذکر شد که برای کلمه «حکم» در آیه مذکور، سه معنا قابل تصور است. اگر بپذیریم که «حکم» در این آیه به معنای «حکومت» (دولت) به کار رفته یا دست کم به این معنا ملازمه دارد، پا سخ به پرسش نخست (اعتبار مراکز حاکمیتی) در پرتو مضمون آیه که «حکم» را مختص خداوند می داند، روشن می شود. در این صورت، باید به دنبال دولتی باشیم که مشمول این آیه باشد و مطابق موازین شرع شکل گرفته باشد. برای تبیین شاخصه های حکومت الهی، باید به روایات (دشتی، ۱۳۶۸، ص ۶۵، خطبه ۴۰) و کلام فقهای اسلامی رجوع کرد.

از جمله فقهای معاصر که به مسئله حکومت اسلامی و ضرورت و ویژگی های آن پرداخته اند، امام خمینی (رحمة الله علیه) است. ایشان می فرمایند: «مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای این که قانون بتواند مایه اصلاح و سعادت بشر شود، به قوه اجراییه و مجری نیاز دارد. از همین رو، خداوند متعال در کنار فرستادن مجموعه ای از قوانین، یعنی احکام شرع، یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است. رسول اکرم ﷺ علاوه بر ابلاغ وحی و بیان و تفسیر عقاید و احکام و نظامات اسلام، به اجرای احکام و برقراری نظامات اسلامی همت گماشته بود تا دولت اسلام را به وجود آورد. پس از رسول اکرم ﷺ، خلیفه همین وظیفه و مقام را دارد. رسول اکرم ﷺ که خلیفه تعیین کرد، فقط برای بیان عقاید و احکام نبود، بلکه برای اجرای احکام و تنفیذ قوانین نیز بود. همین وظیفه اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام بود که تعیین خلیفه را تا این حد مهم می کرد؛ زیرا مسلمانان پس از رسول اکرم ﷺ به کسی نیاز داشتند که قوانین را اجرا کند و نظامات اسلامی را در جامعه برقرار سازد.» (خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵).

از کلام امام خمینی (رحمة الله علیه) به روشنی پیداست که یکی از وظایف و اهداف حکومت اسلامی، اجرای احکام شریعت است. از آن جا که جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نظریه ولایت فقیه امام خمینی (رحمة الله علیه) بنا شده است - و ایشان در زمان غیبت، قائل به زمامداری فقیه عادل و آگاه به احکام و قوانین شرع اند (همان، ص ۵۰) - و با توجه به اصل چهارم قانون اساسی که تصریح می کند کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و... باید براساس موازین اسلامی باشد، تعامل با سایر نهادهای بین المللی، همچون

«اف.ای.تی.اف» نیز باید با در نظر گرفتن مصالح شرع انجام پذیرد.

این تعامل به نحو احسن از طریق نظارت شورای نگهبان صورت می‌گیرد. طبق اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی، امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر کشورها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی، باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. بر اساس دو اصل نود و سوم و نود و چهارم، مصوبات مجلس بدون تأیید شورای نگهبان از قابلیت اجرا ساقط می‌شوند. بنابراین، عهدنامه‌های بین‌المللی ابتدا باید در مجلس تصویب و سپس به تأیید شورای نگهبان برسند.

در ادامه، به نمونه‌هایی از ایرادات شورای نگهبان نسبت به برخی از مفاد «اف.ای.تی.اف» اشاره می‌شود. به عنوان نمونه، شورای نگهبان طی نامه شماره ۹۷/۱۰۲/۷۴۵۰، در پاسخ به برخی مواد مصوبه مجلس در مورد مبارزه با تأمین مالی تروریسم، چنین می‌نویسد: «اطلاق ماده پانزده نسبت به مواردی که لازم است مجرمین محاکمه و مجازات شوند، خلاف موازین شرع شناخته شد. اطلاق ماده هفده نسبت به مواردی که مقررات جاری حقوق بین‌الملل و حقوق بشر، خلاف شرع است یا بعداً تصویب شود و خلاف شرع باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد». همچنین، در ادامه به نمونه‌های دیگری از ایرادات شورای نگهبان نسبت به مصوبات مجلس در زمینه مبارزه با تأمین مالی تروریسم اشاره خواهد شد.

تقنین

آنچه قدر متیقن است و جای هیچ‌گونه تردیدی ندارد، آن است که «حکم» در آیه شریفه، بدون

۱. «اگر... پیگرد یا مجازات فردی به خاطر نژاد، مذهب، ملیت، قومیت یا عقاید سیاسی وی ارائه گردیده است یا پذیرش درخواست موجب خدشه واردشدن به موقعیت آن فرد به دلایل مزبور می‌گردد، هیچ‌یک از مفاد این کنوانسیون به عنوان وضع تعهد برای استرداد با ارائه معاذت حقوقی متقابل تفسیر نخواهد گردید.» ر.ک: نامه ۵۴۶۲۸/۱۰۱۱۶۰ ریاست جمهوری به رئیس مجلس شورای اسلامی در ۹۷/۸/۱۵.

Nothing in this Convention shall be interpreted as imposing an obligation to extradite or to afford mutual legal assistance, if the requested... person's race, religion, nationality, ethnic origin or political opinion or...

۲. «رفتار عادلانه با هر فردی که به موجب این کنوانسیون توقیف گردیده است... از جمله برخورداری از... مقررات جاری حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشر بین‌المللی تضمین خواهد شد.» ن.ک: نامه ۵۴۶۲۸/۱۰۱۱۶۰ ریاست جمهوری به رئیس مجلس شورای اسلامی در ۹۷/۸/۱۵.

تردید، به معنای تشریح الهی در نظر گرفته شده است؛ و دلایل این امر در مباحث پیشین بیان گردید. حال، دو پرسش اصلی مطرح است که می‌توان گفت انگیزه اصلی نگارش این مقاله نیز، پاسخ به همین دو پرسش است:

۱. آیا FATF یک نهاد قانون‌گذاری به شمار می‌آید؟

۲. در صورت قانون‌گذار بودن، آیا قوانین آن برای جمهوری اسلامی ایران نیز معتبر و لازم‌الاتباع است؟

بر اساس تعریفی که در پایگاه رسمی این گروه آمده، FATF خود را این‌گونه معرفی می‌کند: «نهادی دولتی است که وظیفه سیاست‌گذاری را به عهده دارد و برای ایجاد اراده سیاسی لازم به منظور تحقق الزامات قانون‌گذاری و نظارتی ملی در این حوزه‌ها تلاش می‌کند.» همان‌طور که از فحوای این تعریف برمی‌آید، FATF در واقع نهادی قانون‌گذاری در سطح بین‌المللی است و قوانین و مقررات آن صرفاً به کشور خاصی محدود نمی‌شود؛ بلکه هر کشوری که به عضویت این گروه درآید، ملزم به رعایت این مقررات خواهد بود.

طبق اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظام اسلامی بر پایه ایمان به خدای یکتا، حاکمیت و تشریح مختص او، لزوم تسلیم در برابر او، وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین، اعتقاد به معاد و نقش تربیتی آن در مسیر تکامل انسان به سوی خدا، و عدل الهی در خلقت و تشریح استوار است.

همچنین، اصل هفتم قانون اساسی بیان می‌دارد که کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و سایر موارد، باید بر اساس موازین اسلامی باشد؛ و این اصل، بر اطلاق یا عموم تمام اصول قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات حکومت دارد. تشخیص انطباق با موازین اسلامی نیز بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

بر اساس نص و اطلاق این دو اصل، آشکار است که تمامی شئون قانون‌گذاری باید در چهارچوب دین مبین اسلام و بر مبنای آن شکل بگیرد. بنابراین، عضویت یا اجرای مفاد FATF در صورتی که با موازین شرع و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هماهنگ باشد، منعی نخواهد داشت. با این حال، به‌عنوان نمونه و از باب اختصار، به چند ایرادی که از سوی شورای فقهی و

حقوقی شورای نگهبان (و سایر نهادهای مرتبط) نسبت به مصوبات مرتبط با FATF وارد شده، اشاره می‌شود:

نمونه اول: در ماده ۲، بند ۱، بخش «ب» مصوبه مجلس در خصوص لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم آمده است: «هر فعل دیگری که به قصد کشتن یا وارد آوردن جراحات شدید جسمانی به افراد غیرنظامی یا به هر فرد دیگری که سهم فعالی در خصومت‌ها طی منازعات مسلحانه نداشته باشد، صورت گیرد، چنانچه هدف چنین فعلی ارباب مردم یا وادار ساختن دولت یا سازمان بین‌المللی به انجام فعل یا ترک فعل باشد».

مجمع فقهی شورای نگهبان در نامه‌ای به تاریخ ۱۳۹۷/۸/۱ پاسخ داد: «اطلاق عبارت "وادار ساختن دولت یا سازمان بین‌المللی به انجام فعل یا ترک فعل" از جهت شمول نسبت به افعال مشروعی که گروه‌های مقاومت اسلامی علیه دولت‌های استعمارگر انجام می‌دهند و موجب عقب‌نشینی آن‌ها می‌شود، خلاف شرع شناخته شد؛ مگر آن‌که احراز شود بند دوم از شروط ذکرشده در ماده واحده لایحه مؤثر بوده و پذیرفته شود».

همچنین شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۷/۸/۶، در پاسخ به مجلس درباره جزء «ب» بند ۱ ماده ۲ این مصوبه، تصریح کرد: «اطلاق این بند نسبت به موارد مشروع همچون اقدامات دفاعی، خلاف موازین شرع شناخته شد».

نمونه دوم: در ماده شش لایحه الحاق ایران به «کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم» آمده است: «هر کشور عضو، در صورت لزوم، اقداماتی از جمله در صورت اقتضاء از طریق تدوین قوانین داخلی اتخاذ خواهد نمود تا اطمینان حاصل نماید که اعمال کیفری در حیطه شمول این کنوانسیون، تحت هیچ شرایطی با ملاحظات سیاسی، فلسفی، عقیدتی، نژادی، قومی و مذهبی و یا سایر ملاحظات مشابه قابل توجیه نباشند».

اطلاق این ماده، به‌ویژه با توجه به اینکه این ماده ناقض حق تحفظ (بند دوم ماده واحده) است و می‌تواند شامل موارد مشروعی همچون دفاع مشروع نیز بشود، خلاف موازین شرع و مغایر با اصل ۱۵۴ و بند ۱۶ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شناخته شده است.

۱. اصل صد و پنجاه و چهار قانون اساسی: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان

نمونه سوم: بر اساس ماده ۱۹ «کنوانسیون بین‌المللی حقوق معاهدات ۱۹۶۹»، حق شرط و حق تحفظ تنها در صورتی امکان‌پذیر است که اولاً: کنوانسیون صراحتاً آن را منع نکرده باشد. حال آن‌که این کنوانسیون، حق شرط را نسبت به مواد ۲، ۶ و ۱۴ خود ممنوع اعلام کرده است. در مصوبه الحاق به CFT، آنچه قابل تأمل است، خدشه‌دار شدن سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در زمینه اقتصاد مقاومتی و امنیت ملی در ابعاد مختلف مالی، نظامی و اطلاعاتی است (دلبری و همکاران، نشریه علمی «آفاق امنیت»، شماره ۴۷، ص ۴۹). البته، بر اساس تحقیقات موجود، ایرادات دیگری نیز به این مصوبه وارد است که به دلیل رعایت اختصار، در این نوشتار به آن‌ها اشاره نمی‌شود (دلبری و همکاران، همان نشریه، صص ۴۱-۴۶ و ۴۸).

قضایی

یکی از معانی «حکم» که بیان شد، قضاوت و داوری است و برخی علما آن را در همین معنا به کار برده‌اند. حتی اگر این معنا مورد پذیرش قرار نگیرد، به‌صورت ملازمه‌ای برای «حکم» ثابت می‌شود؛ به این معنا که یکی از شئون و مواردی که شارع به آن پرداخته، شرایط قضایی و اصولی است که بر اساس آن باید حکم کند. بنابراین، شئون قضاوت و داوری نیز متعلق به خداوند است. با دانستن این نکته، منشأ اعتبار مراکز قضائی را درمی‌یابیم؛ به این ترتیب که این مراکز، طبق آنچه از معنای «حکم» برداشت می‌شود، باید بر اساس قوانین الهی اداره شوند تا اعتبار یابند. در همین راستا، از جمله اشکالاتی که شورای نگهبان در این زمینه به «FATF» وارد دانسته، موارد زیر است:

مجمع فقهی شورای نگهبان در مورد ماده ۷، بند ۶ بیان داشته است: «این کنوانسیون بدون خدشه به عرف حقوق بین‌الملل عمومی، مانع اعمال هرگونه صلاحیت کیفری احرازشده توسط کشور عضو، طبق قانون داخلی خود نمی‌شود».^۱

خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همهٔ مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزهٔ حق طلبانهٔ مستضعفان در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

۱. ن.ک: نامهٔ ۵۴۶۲۸/۱۰۱۱۶۰ ریاست جمهوری به رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۹۷/۸/۱۵

مجمع شورای فقهی شورای نگهبان در پاسخ می‌نویسد: «مفاد این بند آن است که در صورتی که خدش‌های به عرف حقوق بین‌الملل عمومی وارد شود - مانند لازم دانستن یا اجبار به رعایت حجاب یا اجرای اعدام‌های مشروع - این بند مانع اعمال صلاحیت کیفری احراز شده توسط جمهوری اسلامی ایران طبق قانون داخلی می‌شود و بنابراین، خلاف شرع است»^۱.

همچنین در مورد ماده ۷، بند ۴ مصوبه مجلس درباره مقابله با تأمین مالی تروریسم آمده است: «هر کشور عضو همچنین اقدامات لازم را اتخاذ خواهد نمود و صلاحیت خود را در محاکمه مجرم در خصوص جرایم مندرج در ماده (۲) احراز خواهد کرد»^۲.

مجمع فقهی شورای نگهبان در نامه‌ای به تاریخ ۹۷/۸/۱ بیان کرده است: «نظر برخی اعضا این بود که پذیرفتن این مطلب - که متهم را می‌توان به کشورهای عضو تحویل داد تا خود محاکمه کنند، یا اینکه آن‌ها حق دارند متهم را تحویل نگیرند و خود محاکمه‌اش کنند - خلاف شرع بوده و موجب تأیید قضاوت آن کشورها می‌گردد».

نتیجه‌گیری

بنابر آنچه در این نوشتار بیان شد، مراد از «حکم» در آیه ۴۰ سوره مبارکه یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ، با توجه به قرائن درون‌متنی و برون‌متنی، سه معنا را دربرمی‌گیرد: تشریح، حکومت و داوری. ممکن است معنایی گسترده‌تر نیز برای آن منظور شده باشد که شامل هر سه معنا می‌شود. چه این معانی را به صورت مستقل و چه به تبع یکدیگر بپذیریم، با توجه به توضیحاتی که درباره «FATF» و دلایل موافقان و مخالفان آن ارائه شد، و با نظر به اصول دوم و هفتم قانون اساسی که تأکید دارد کلیه قوانین جمهوری اسلامی باید بر مبنای موازین اسلامی باشد و نیز با توجه به اینکه مهم‌ترین منبع کشف نظر اسلام، قرآن کریم است، اجرای «FATF» مورد بررسی قرار گرفت.

از آنجا که «FATF» یک نهاد قانون‌گذاری بین‌المللی است و اجرای مفاد آن برای کشورهای

Without prejudice to the norms of general international law, ...

۱. نامه مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، تاریخ ۹۷/۸/۱.

۲. ن.ک: نامه ۵۴۶۲۸/۱۰۱۱۶۰ ریاست جمهوری به رئیس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۹۷/۸/۱۵؛

۴. Each State Party shall likewise take such measures as may be necessary to establish its jurisdiction over the offences set forth in article ۲... .

عضو لازم است، اگر مفاد این معاهده مغایر شرع مقدس اسلام و قانون اساسی نباشد و مصلحت کشور اقتضا کند، می توان آن را پذیرفت. اما با توجه به ایراداتی که شورای نگهبان در خصوص ناسازگاری مفاد «FATF» با شرع و قانون اساسی گرفته است، اجرای آن در شرایط کنونی قابل قبول نمی باشد.

منابع و مأخذ

- ❖ قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۱. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، ۱۳۷۵ ش.
 ۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح ابن ابی الحدید، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
 ۳. ابن عباد، صاحب، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الکتاب، ۱۴۱۴ ق.
 ۴. ابن فارس، احمد، مقایس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۹۹ ق.
 ۵. افشار، اسدالله، نقد لویح جنجالی پیوستن ایران به «اف. ای. تی. اف»، تهران: سفیر اردهال، ۱۳۹۷ ش.
 ۶. ابازی، سیدمحمدعلی، جامعیت قرآن، رشت: کتاب مبین، ۱۳۷۸ ش.
 ۷. بهشتی مهر، احمد، «نیاز به دین از دیدگاه شهید مطهری»، نشریه معرفت، شماره ۱۱۳، ص ۸۸-۹۳، ۱۳۸۶ ش.
 ۸. پژوهنده، مرتضی؛ دلبری، سیدعلی؛ حبیبی مهر، علی اکبر، «ارزیابی نفوذ از طریق گروه اقدام ویژه اقدام مالی؛ رویکردی تطبیقی براساس سنت علوی»، نشریه علمی آفاق امنیت، شماره ۴۷، ص ۳۳-۵۲، ۱۳۹۹ ش.
 ۹. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (علیهم السلام)، قم: انتشارات انصاریان، بی تا.
 ۱۰. جوادی آملی، عبد الله، ولایت فقیه ولایت فقاها و عدالت، قم: نشر اسراء، ۱۳۷۹ ش.
 ۱۱. جوان آراسته، حسین، درسنامه علوم قرآنی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۴ ش.
 ۱۲. جوهری فارابی، اسماعیل، الصحاح، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۰ ق.
 ۱۳. حسینی احمد فداله، سیدمحمد؛ جعفرقلی خانی، ابوالفضل؛ «بلوردی، طیبه، ابعاد حقوقی پیوستن ایران به گروه ویژه اقدام مالی (FATF)»، فصلنامه علمی مطالعات بین المللی پلیس، شماره ۴۲، ص ۵۰-۷۸، ۱۳۹۹ ش.
 ۱۴. حسینی همدانی، سیدمحمدحسین، انوار درخشان، تهران: لطفی، ۱۴۰۴ ق.
 ۱۵. حلی، حسن بن یوسف، منتهی المطلب، مشهد: ناشر مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
 ۱۶. خامنه ای (مدظله العالی)، سیدعلی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، مشهد، انتشارات موسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۲ ش.
 ۱۷. خمینی، روح الله، ولایت فقیه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة الله علیه)، بی تا.

۱۸. دشتی، محمد، نهج البلاغه، مشهد: انتشارات نورالمبین، ۱۳۸۶ش.
۱۹. ربانی گلپایگانی، علی، «شریعت مصلحت»، فسنامه علمی پژوهشی کلام اسلامی (موسسه تعلیماتی، تحقیقاتی امام صادق (علیه السلام))، دوره ۲۲، شماره ۸۵، ص ۷-۴۰، ۱۳۹۲ش.
۲۰. رحیم خویی، الناز، حقوق بین الملل ۲، تهران، انتشارات سبز، ۱۳۹۹ش.
۲۱. ری شهری، محمد، شناخت نامه قرآن و حدیث، قم: ناشر دارالحدیث، ۱۳۹۱ش.
۲۲. ری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم: سازمان چاپ و نشر حدیث، ۱۳۸۷ش.
۲۳. سبحانی، جعفر، مصادر الفقه الاسلامی و منابعه، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۹ق.
۲۴. سبزواری، عبدالاعلی، مهذب الاحکام، قم: المنار، ۱۴۱۳ق.
۲۵. سپهر، محمدمهدی، بررسی زوایایی از «اف.ای.تی.اف» و «اینستکس»، فصلنامه فرهنگی، بصیرتی، تبلیغی پیام، شماره ۱۳۳، ص ۴۴-۶۱، ۱۳۹۸ش.
۲۶. سعدی، ابوحیب، القاموس الفقہی، دمشق: دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
۲۷. سلطانی، فخرالدین، گروه ویژه اقدام مالی: پیشگیری از پولشویی و تامین مالی تروریسم، فصلنامه علمی مطالعات بین المللی پلیس، دوره یازدهم، شماره ۴۲، ص ۹۷-۱۱۸، ۱۳۹۹ش.
۲۸. سمرقندی، نصر بن محمد، بحرالعلوم، بی جا، بی تا.
۲۹. سهرابی، محمد؛ داداش زاده، علیرضا، «بررسی حقوقی الحاق ایران به کارگروه اقدام مالی علیه پولشویی؛ نگاهی به مقابله با حمایت مالی تروریسم بین المللی»، مجله پژوهش ملل، شماره ۵۵، ص ۷۵-۹۵، ۱۳۹۹ش.
۳۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ج ۱، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۳۱. ضیائی بیگدلی، محمد رضا، حقوق بین الملل عمومی، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۴ش.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۷ش.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۳۴. طنطاوی، سیدمحمد، معجم اعراب الفاظ القرآن الکریم، قم: مکتبه نوید اسلام، ۱۴۳۱ق.
۳۵. طوسی، محمدحسن، تیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، بی تا.
۳۶. عمیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۴۲۱ق.
۳۷. فاطمی احمدآبادی، سیداحمد، معنی حکم در اصطلاح فقها، فصلنامه علمی فقه و اصول (دانشگاه فردوسی)، دوره هفتم، شماره ۱، ص ۴۸-۶۲، ۱۳۵۳.
۳۸. لنگرودی، محمدجعفر، ترمونولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۶ش.

۳۹. محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی اصول فقه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.

۴۰. محمود، عبد الرحمان، معجم المصطلحات والالفاظ الفقهیه، قاهره: دارالفضیله، بی تا.

۴۱. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقائد، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۷۷.

۴۲. مطهری، مرتضی، انسان و ایمان، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۰ ش.

۴۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۹ ش.

۴۴. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: انتشارات معین، ۱۳۸۱ ش.

۴۵. مغنیه، محمدجواد، کاشف، تهران: دارکتب الاسلامیه، ۱۳۲۴ ش.

۴۶. موسوی بجنوردی، محمد، قواعد فقهیه، تهران: مؤسسه عروج، ۱۴۰۱ ش.

۴۷. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، ج ۴، تهران: مکتبه الإسلامیه، ۱۴۰۰ ق.

سایت‌ها و نامه‌ها

۴۸. جامعه خبری تحلیلی الف؛ گروه سیاسی الف، B2n.ir/z22595، ۱۳۹۸/۸/۴.

۴۹. خبرگزاری دانشجو، تمام موافقان، مخالفان FATF در مجمع تشخیص را بشناسید، FATF با حق شرط پذیرفته می‌شود؟، B2n.ir/p24235، ۱۳۹۹/۱۲/۹.

۵۰. سایت آیین رحمت-معارف اسلامی و پاسخ به شبهات کلامی، B2n.ir/k88704.

۵۱. نامه ریاست جمهوری به مجلس شورای اسلامی، شماره نامه ۱۰۱۱۶۰/۵۴۶۲۸/۱۵، ۹۷/۸/۱۵.

۵۲. نامه شورای نگهبان (قائم مقام دبیر)، جوابیه نامه مجلس (لایحه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم). شماره نامه ۹۷/۱۰۲/۷۴۵۰، ۱۳۹۷/۸/۶.

۵۳. نامه مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان (لایحه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم)، ۹۷/۸/۱.

